

وحید آگاه، حقوق‌دان مهمان چهارمین برنامهٔ «فرهیختگان گپ»

چرا طرح ساترای جدید عملی نیست؟



مریم فضالی خبرنگار گروه فرهنگ

برنامه «فرهیختگان گپ» از بخش هسای «مجله تصویری فرهیختگان» در تازه‌ترین قسمت خود به بررسی «طرح قانون حمایت و رسیدگی به تخلفات حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» پرداخت. در این برنامه، دکتر وحید آگاه پیشینه، تغییرات و ابهام‌های مطرح‌شده پیرامون این طرح را تشریح کرد که بخش‌هایی از آن را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

تغییرات طرح جدید ساترا چیست؟

آگاه در توضیح پیشینه این طرح گفت که این مسیر ابتدا با طرحی در مجلس آغاز شد که به «طرح صیانت» شهرت یافت؛ طرحی که با واکنش‌های منفی گسترده از سوی افکار عمومی، رسانه‌ها، جامعه‌ذی‌نفعان و متخصصان مواجه شد و در نهایت چنین به‌نظر می‌رسید که مجلس از تصویب آن عبور کرده‌و آن را مسکوت گذاشته است. به گفته او، این طرح بعدها به شورای عالی انقلاب‌فرهنگی منتقل شد و در قالب مصوبه‌ای در آن شورا ادامه یافت.

آگاه در ادامه از نسخه‌ای مفصل‌تر با تعداد مواد و مفاد بیشتر خبر می‌دهد که طرح فعلی قالب کوتاه‌تر همان است، اما ساختار اصلی آن همچنان حفظ شده. به گفته او، آن نسخه نیز با انتقادهای فراوانی رو به‌رو شد و اساساً به مرحله تصویب نرسید و نسخه فعلی، خلاصه‌شده همان روند پیشین است؛ موضوعی که کامیاب‌یز نوروزی از آن با عنوان «طرح صیانت سه» یاد کرده است.

این ریکل دادگستری در باره تغییرات اعمال‌شده در نسخه جدید تأکید کرد: «شاخه و برگ‌های طرح زده شده، اما اسلوب و چهار چوب اصلی آن حفظ شده است. باتوجه‌به اینکه نسخه‌های قبلی به مرحله تصویب نرسیدند و در همان مراحل اولیه متوقف شدند، حالا بهتر است تمرکز بر همین ۱۵ ماده موجود باشد.» او همچنین در واکنش به انتشار متنی از این طرح با واژه‌مارک معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری و ذکر تاریخ ۱۴ آبان ۱۴۰۴ گفت: «اطلاعی ندارم که واقعاً معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری یا وزارت فرهنگ و ارشاد، نظر مثبت خود را اعلام کرده‌باشند یا نه. اما از آنجاکه این متن یک طرح محسوب می‌شود، مسیر آن از مجلس آغاز می‌شود و احتمالاً درج نام این نهادها به معنای ضرورت بررسی و اعلام نظر آن‌هاست. بعید می‌دانم که مهر تأیید رسمی این نهادها پای این متن خورده باشد.»

شفافیتی که مشخص نیست

آگاه در ادامه به نبود شفافیت درباره مسیر بررسی این طرح اشاره کرد و گفت: «اطلاعات روشنی از نظرات ارائه‌شده، روند بررسی در کمیسیون‌ها یا آنچه خارج از مجلس گذشته، در دسترس نیست. پاسخ به این پرسش‌ها بر عهده مجلس است و روند فعلی به‌گونه‌ای بوده که ما عملاً یک‌بارها با متنی ۱۵ ماده‌ای مواجه شدیم. چنین طرح‌هایی اساساً با مشارکت ذی‌نفعان تدوین نمی‌شوند؛ چراکه در صورت مشارکتی بودن، خروجی نهایی شکل دیگری می‌داشت. این دست طرح‌ها حاصل همکاری مجلس با ساترای صدواسیماست و در حال حاضر جامعه‌ذی‌نفعان با آن مخالفند. اگر از متخصصان حوزه حقوق، فرهنگ، هنر و رسانه‌ها پرس‌و‌جو شود، تقریباً همه منتقد هستند و جامعه صنفی پلنفرم‌ها و سرویس‌های VOD نیز مخالف جدی دارند؛ در عمل، فقط پیشنهاددهندگان طرح و صدواسیما از آن حمایت می‌کنند.»

وزارت فرهنگ و ارشاد تماشاگر است

او همچنین به سکوت و عدم ورود برخی نهادها و تشکل‌ها نسبت به این موضوع اشاره کرد و گفت: «به نظر می‌رسد این وضعیت دو دلیل اصلی دارد. فعالان شبکه نمایش خانگی، پلنفرم‌ها و VOD ها به دلیل وابستگی مداوم به‌اخذ مجوز از ساترا، با نوعی ملاحظه‌کاری و محافظه‌کاری حداکثری مواجهند و ترجیح

می‌دهند وارد موضع‌گیری علنی نشوند. در جامعه مدنی نیز درباره این موضوع صحبت‌هایی شده، اما صدای پررنگی از سوی نهادهای رسمی شنیده نمی‌شود.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم عملاً در موضع تماشاگر قرار گرفته و واکنش مؤثری از آن دیده نمی‌شود.»

آگاه در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به یک تقسیم‌بندی مصوب در شورای عالی انقلاب‌فرهنگی گفت: «یک تقسیم‌بندی دوگانه خلاف قانون اساسی و در مغایرت با حقوق و آزادی‌های ملت، در شورای عالی انقلاب‌فرهنگی تصویب شده و الان لازم‌الاجراست. در ماده دو که ذیل تکالیف و مسئولیت‌ها آورده شده، گفته شده آنچه مربوط به رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها، کتاب، تبلیغات و بازی‌های رایانه‌ای در فضای مجازی است، در صلاحیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار می‌گیرد، اما رسانه‌های کاربر محور و ناشر محور، شبکه نمایش خانگی و به‌ویژه تولید سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی ذیل صلاحیت ساترا و صدواسیما تعریف شده‌اند.»

او با تشبیهی این تقسیم‌بندی را چنین توضیح داد: «ما یک فضای مجازی صوت و تصویر فراگیر را دو قسمت کردیم؛ یک قسمت بسیار کوچک که شاید رویشان نمی‌شده آن را از وزارت فرهنگ بگیرند و به ارشاد داده‌اند و قسمت اصلی و قطعه بزرگ این تکیک را به ساترا و صدواسیما سپرده‌اند.»

آگاه با تأکید بر نقش تاریخی وزارت فرهنگ در شکل‌گیری شبکه‌نمایش خانگی افزود: «شبکه نمایش خانگی محصول کار پیدا و پنهان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. وزارتخانه‌ای که این بذر را کاشت، تبدیلش کرد به نهال و بعد به یک درخت ترموند، اما درست در زمانی که باید از آن حفاظت می‌کرد، پشش را خالی کرد. این مصوبه شورای عالی انقلاب‌فرهنگی در دولت فعلی هم اصلاح نشده و همان تقسیم‌بندی صلاحیتی میان وزارت فرهنگ و ساترا- صدواسیما همچنان مبنای حرکت این قانون است و با همان دست‌فرمان دارد جلو می‌رود.»

شبکه نمایش خانگی سهم کجاست؟

او با اشاره به تمرکز حاشیه‌ها بر تولیدات شبکه نمایش خانگی گفت: «الان بیشترین همه‌جاها و حاشیه‌سازی‌ها متوجه شبکه‌نمایش خانگی در حوزه سریال است و وزارت فرهنگ این حوزه را داده و حتی دنبال پس‌گرفتنش هم نیست. با این اتفاق، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مسیری قرار گرفته که عملاً قدرت خاصی ندارد و حتی ممکن است در آینده حذف شود. الان کل حوزه صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی داده شده به صدواسیما و وزارت فرهنگ فقط یک گوشه ایستاده و تماشا می‌کند. هر وقت هم از وزارت فرهنگ سؤال می‌کنید، می‌گویند مصوبه به شورای عالی انقلاب‌فرهنگی آمده؛ خب اگر مسئله این است، چرا برای اصلاحش اراده‌ای وجود ندارد؟ این را خودشان باید پاسخ بدهند. ما در مقام پاسخگویی نیستیم، اما واقعیت این است که میدان اصلی تنظیم‌گری و تولید، عملاً از وزارت فرهنگ گرفته و به صدواسیما منتقل شده است.»

فرا تر از یک قانون عادی

آگاه در ادامه با اشاره به مبنای قانونی تدوین این طرح

گفت: «بندب» ماده ۷۷ قانون برنامه هفتم پیشرفت، مصوب ۱۴۰۳، صدواسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مکلف کرده بود که در سه محور مشخص، از جمله تهیه جدول تخلفات، نحوه حمایت و رسیدگی به تخلفات، یک چهار چوب قانونی تدوین کنند. اما متنی که امروز با آن مواجه هستیم، اساساً جامعه‌ذی‌نفعان را نادیده گرفته و هیچ‌گونه نظر خواهی‌ای از پلنفرم‌ها، اتحادیه‌ها، نظام‌های صنفی و انجمن‌های مرتبط انجام نشده است. اگر همین امروز از فعالان این حوزه پرسید، پاسخ همه این است که در تدوین این طرح از مانظر نخواستند.» او ایسن طرح را فراتر از یک قانون عادی توصیف کرد و گفت: «آنچه در عمل اتفاق افتاده، واگذاری یک حکمرانی مستقل به صدواسیماست؛ حکمرانی‌ای که هم‌زمان صدور مجوز می‌دهد، مقررات‌گذاری می‌کند، نظارت می‌کند، رتبه‌بندی انجام می‌دهد، به تخلفات رسیدگی می‌کند و خودش هم مجری احکام است.»

آگاه با انتقاد از کارگیری عنوان «تنظیم‌گری» افزود: «این اسم گذاری به نظر من یک فریب مفهومی است، چون ما عملاً با تجمیع کارکردهای سه‌قوه در یک نهاد مواجه هستیم. این طرح یک شلیک بزرگ به شبکه نمایش خانگی است و در این تردیدی نباید داشت.» آگاه با اشاره به نگاه حقوقی خود تصریح کرد: «شبکه» نمایش خانگی عملاً از صلاحیت وزارت فرهنگ خارج شده و به همین دلیل ما به‌عنوان منتقدان این طرح می‌گوییم این حوزه باید به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بازگردد.» او افزود: «نگاه حاکم بر این طرح، نگاهی غیرواقع‌بینانه به ظرفیت‌های اجرایی و قانونی است و در چنین مسیری، حرمت قانون از هم خدشه‌دار می‌شود.» او همچنین با اشاره به تجربه‌های آموزشی خود در حوزه حقوق و قانون‌گذاری گفت: «این متن می‌تواند به‌عنوان یکی از بدترین تجربه‌های قانون‌گذاری در دانشگاه تدریس شود؛ متنی که تقریباً تمام خطاهای ممکن در فرایند تدوین قانون را در خودش دارد. برخی

بندهای ابتدایی این طرح، از جمله بندهای ۴ و ۵ ماده یک، به طور آشکار با فصل سوم قانون اساسی و حقوق ملت در تعارض است.»

شانس بالای طرح برای تصویب

به گفته آگاه، با وجود همه این نقدها، طرح شانس بالایی برای تصویب دارد؛ چسرا که «فرایند تصویب آن بدون توجه به نظر منتقدان، جامعه‌ذی‌نفعان و افکار عمومی پیش می‌رود. اگر این طرح تصویب شود، می‌تواند زندگی روزمره ایرانیان را مختل کند، چون امروز بخش عمده زیست اجتماعی مردم در فضای مجازی جریان دارد. این طرح شفاف نیست، چون مشخص نیست چه کسی تصمیم می‌گیرد و چه کسی باید پاسخ‌گو باشد و نه قابل اجراست، چون با اسناد بالادستی و اصول قانون اساسی در تعارض قرار دارد. این قانون مختل‌کننده زندگی ایرانیان است؛ چرا که همه ساخت‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی از شبکه‌های اجتماعی

عظیمی

سنبلان

دودخو

آفر

فرهنگیان

نوزدهمین جشنوارهٔ «سینماحقیقت»، شب گذشته برگزیدگان خود را شناخت

واقعیت و فراواقعیت جشنوارهٔ حقیقت



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

نوزدهمین جشنواره سینماحقیقت هم به ایستگاه پایانی رسید و منتخباংশ در بخش‌های مختلف فستیوال را شناخت. این جشنواره مهم‌ترین رویداد سینمای مستند در ایران به حساب می‌آید و از اعتبار بیش‌وکم بالایی برخوردار است. برای نمونه برخلاف اغلب جشنواره‌هایی که اسم بین‌المللی را یدک می‌کشند ولی نمودی جهانی و خارجی ندارند، حقیقت یکی از معدود استثنائات به حساب می‌آید و از منظر کیفی نیز به‌زعم کارشناسان، منتقدان و مخاطبان جدی این مدیوم فیلمسازی به همراه سینمای کوتاه نقطه قوت فیلمسازی در ایران محسوب می‌شوند. ممکن است در یک جشنواره که غالباً فیلم‌های بلند داستانی در آن به نمایش درمی‌آیند تعداد فیلم‌های بد خیلی بیشتر از آثار خوب باشد و این در نظر طبیعی جلوه می‌کند. اما این رویه در جشنواره‌ای نظیر سینماحقیقت کاملاً برعکس است و تعداد آثار خوب، قابل توجه و حتی متوسط بیش از فیلم‌های ضعیف است و طبیعتاً بیشتر هم به چشم می‌آیند. اگر از این موارد عبور کنیم نکته‌ای که می‌تواند حائز اهمیت قلندارد شود دسته‌بندی موضوعی فیلم‌ها در نوزدهمین جشنواره سینما حقیقت است که اهمیت پیدا می‌کند.

قرن جدید شمسبی با اتفاقات مهمی نظیر بلوای زن، زندگی، آزادی، آغاز عملیات طوفان الاقصی، حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به ایران در جنگ دوازده‌روزه، شهادت رئیس‌جمهور دولت سیزدهم، بالا رفتن افسارگسیخته نرخ دلار آغاز ششده سال ۱۴۰۴ در این میان اهمیتی مضاعف داشت؛ ما هنوز وارد فضای چهل وچهارمین جشنواره فیلم فجر و ارزیابی سورهٔ فیلم‌ها در این رویداد نشدیم، اما می‌توانیم به‌روشنی این گزاره را به کار ببریم که جشنواره سینماحقیقت در مقایسه با رقبای داستانی‌اش واکنشی صریح‌تر، سریع‌تر و جدی‌تر به اتفاقاتی که پیرامون جامعه می‌افتد نشان داده است و کماباز می‌دهد.

خاصیتی که در این دوره از جشنواره نیز محقق شده و تعداد زیادی از فیلم‌ها به مسائلی نظیر جنگ دوازده‌روزه، سیاست منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و همین‌طور مستندهای پرتره در مورد شخصیت‌های تأثیرگذار سیاسی و تاریخی واکنش نشان داده‌اند. درحالی‌که برای فیلمسازان عرصه داستانی،

موضوعاتی از قبیل جنگ دوازده‌روزه، ترورهای سیاسی و معضلات اقتصادی به دلایل مختلف – که جای طرح آن‌ها در این فرسته میسر نیست – چندان محلی از اعراب ندارد.

فیلمسازان مستند برای «ایران» پای کار آمدند

فیلم‌های جشنواره سینماحقیقت در بخش‌های «مسابقه بلند ملی»، «ایران»، «دانشجویی»، «بین‌الملل» و «شهید آوینی» به نمایش در آمدند. بخش قابل توجهی از این آثار در مورد جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و آثار پیشینی و پسینی آن بودند و از این بابت اعتبارش در خوری را متوجه نوزدهمین دوره این جشنواره کردند. این اتفاق مبارک البته در بخش مسابقه بلند ملی با همان بخش اصلی رخ نداد و از میان ۲۳ فیلم بلند داستانی، فقط دو فیلم «میرپام» ساخته «علی صدیقی‌نیا» و «نامش زن» اثر «ماریا ماوتی» بودند که به‌طور انضمامی و عینی به مسائل راهبردی و سوره‌هایی پرداختند که با زیست مردم ایران در سالی که گذشت، مرتبط بودند و باقی فیلم‌ها چندان ارتباطی با اتفاقات روز نداشتند و به سوره‌های استنبائی نظر افکندند، البته نباید منکر پرانندگی سوره‌ها و فهم تکرر در جریان سینمای مستند شد؛ اما اهمیت مسئله «ایران» و مواجهه آن با نیروی نیابتی آمریکا در منطقه موردی نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذشت و اهمیت کمی برای آن در بخش مسابقه بلند داستانی در نظر گرفت. این نقطه‌ضعف اما در بخش‌های ایران، شهید آوینی، بین‌الملل و دانشجویی به‌طور کامل جبران شد و آثار مربوط به ایران توانستند در نقطه‌کانونی قرار بگیرند. وقوع حادثه انفجار مهیب بندر شهید رجایی در بهار ۱۴۰۴ نقطه آغاز و مبدأ اتفاقات پرسروصدا، دامنه‌دار و بزرگ‌تر بعدی بود؛ اما آن‌طور که بایدوشاید مورد اشاره فیلمسازان ما قرار نگرفت و در مسیر پر حجم بروز مسائل دیگر به‌نوعی در حاشیه باقی ماند. خوشبختانه جشنواره سینماحقیقت محل خوبی برای مطالبه مخاطب است و هرکس می‌تواند با اندکی تأمل انعکاس سلبیّه و دغدغه خویش را روی پرده تماشا کند. به‌طوری‌که در رابطه با حادثه بندر شهید رجایی هم محتوایی برای عرضه وجود داشت و «آرش دهقانی» با فیلم «آن شبی سیاه» در بخش شهید آوینی شرکت کرده بود. آن شبی سیاه در مورد تلاش گروهی از داوطلبان و آتش‌نشان‌ها برای مقابله با آتش و ویرانی است و قصد دارد رشادت قهرمانان به‌ظاهر معمولی وطن را در چنین موقعیت‌های به تصویر در آورد. «ایستاده

گفت: «بندب» ماده ۷۷ قانون برنامه هفتم پیشرفت، مصوب ۱۴۰۳، صدواسیما

جریمه بدهید و بعد خودمان تصمیم می‌گیریم

آگاه در ادامه با اشاره به تبصره ۴ ماده ۱۰ و بخش مربوط به «تبیهات و مجازات‌های انتظامی» گفت: «در این تبصره تصریح شده که وجوه دریافتی ناشی از اجرای این قانون به حسابی مشخص نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود؛ اما نحوه مصرف آن برای جبران خسارت و حمایت از رسانه‌ها، بر اساس آیین‌نامه‌ای تعیین خواهد شد که خود تنظیم‌گر تهیه می‌کند و پس از تصویب شورای عالی انقلاب‌فرهنگی ابلاغ می‌شود. این یعنی ما جریمه می‌گیریم و بعد خودمان تصمیم می‌گیریم این پول چطور و کجا خرج شود.» او سپس به ماده ۱۱ پرداخت و گفت: «در این ماده آمده که تنظیم‌گر می‌تواند پیش از آغاز فرایند رسیدگی به پرونده، دستور توقف انتشار یا حذف محتوا را برای مدت ۴۸ ساعت صادر کند، یعنی قبل از این که اصلاً رسیدگی انجام‌شود، امکان توقف انتشار یا حذف محتوا وجود دارد. این ماهیتاً کاره قضائیه است؛ اما این قانون می‌خواهد قبل از رسیدگی، پلنفرم را محدود کند تا نتیجه‌ای که هنوز معلوم نیست بررسی‌شود. در واقع، تنظیم‌گر فقط می‌خواهد یک دکمه در اختیار داشته باشد تا بتواند هر زمان خواست پلنفرم را کنترل کند.»

فصل ششم قانون چه می‌گوید؟

آگاه در ادامه با اشاره به فصل ششم قانون که به نحوه رسیدگی به تخلفات می‌پردازد، توضیح داد: «در این فصل دو هیئت پیش‌بینی شده؛ هیئت بدوی برای رسیدگی اولیه و هیئت عالی برای تجدیدنظر.»

او درباره ترکیب هیئت بدوی گفت: «این هیئت هفت‌نفره است و اگرچه گفته می‌شود رئیس سازمان یا وزارت فرهنگ افراد را معرفی می‌کنند؛ اما در نهایت همه این افراد را یک رئیس انتخاب می‌کند. یک رئیس، یک دبیر، یک کارشناس مسائل سیاسی – اجتماعی که عملاً همه جامعه را در بر می‌گیرد، یک کارشناس دینی از میان روحانیون، یک کارشناس حقوقی و یک کارشناس فناوری اطلاعات فضای مجازی. در عمل، ترکیب آراشش به یک است و اصلاً نیازی به رسیدگی واقعی وجود ندارد، چون نتیجه از پیش مشخص است.» آگاه شرایط هیئت عالی را «بدتر» توصیف کرد و گفت: «این هیئت پنج‌نفره است؛ یک نفر به انتخاب بالاترین مقام دستگاه رئیس می‌شود، یک نفر با معرفی دبیر شورای عالی فضای مجازی، یک نفر با معرفی دبیر شورای عالی انقلاب‌فرهنگی، یک نفر نماینده دادستانی و یک نفر هم نماینده کمیسیون فرهنگی مجلس. با چنین ترکیبی، عملاً تمام پرونده‌هایی که به اسم تجدیدنظر می‌آیند، رد می‌شوند و چرا مجلس در این مرحله هم حضور دارد؟»

پیشنهادها چیست؟

او در ادامه پیشنهاد خود را این گونه مطرح کرد: «به نظر من، رسیدگی به تخلفات باید به خود صنف سپرده‌شود؛ یک کرسی هم به صدواسیما و یک کرسی به وزارت فرهنگ داده‌شود. وی‌اودی‌ها باید خودشان به تخلفات خودشان رسیدگی کنند، نمی‌شود تخلف یک پزشک را یک قنادر بررسی‌کند. آگاه با انتقاد از رویکرد حاکم بر طرح گفت: «صدواسیما حاضر نیست بپذیرد که شانش بالاتر از این است و این طرح، در واقع نوعی انتقام از وی‌اودی‌هاست. پیشنهاد من این است که این طرح به‌طور کامل کنار گذاشته‌شود. به‌جای آن، یک مجمع تشکیل شود، همه جلسات به‌صورت آنلاین و شفاف برای مردم پخش شود و نمایندگان ساترا و صدواسیما، وزارت فرهنگ و صنف وی‌اودی‌ها در آن حضور داشته باشند تا ببینیم واقعاً به چه نتیجه‌ای می‌رسیم.» او در پایان گفت: «با نمایندگان مجلس بیایند و از این طرح دفاع کنند، با مسئولان وزارتخانه‌ها بیایند و صریح نظرشان را بگویند. متنی که ارائه شده، به نفع صدواسیماست و در تعارض با منافع ملی، اصول قانون اساسی و حقوق ملت قرار دارد.»

سوره‌های ناب را هم دریابید

انگشتان یک‌دستست هم می‌رسد؛ اما در جشنواره سینماحقیقت مانند فجر و امثالهم تعداد آثار و جوایز زیاد است و این احتمال را در ذهن افراد پدید می‌آورد که مسئولان جشنواره‌های ما عزم خود را برای نشاندن لبخند رضایت بر لب همگان جزم کرده‌اند و دوست ندارند مغضوب واقع شوند. اما این مسئله نقض غرضی بیش نیست و صدای فیلمسازان برجسته جریان مستند، داستانی و کوتاه را در می‌آورد. تنها جشنواره‌ای که در این میان مشی متفاوت از خود ارائه داد بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر در شیراز بود که تعداد فیلم‌ها در آن در حد معقولی به مخاطب عرضه‌شد و فستیوال، چندان به شلوغی باقی رویدادهای فرهنگی نبود. حضور همیشگی چند فیلمساز خاص در میان نامزدها نیز مسئله‌ای است که نمی‌توان از کنار آن به‌آسانی عبور کرد. مگر می‌شود در هیچ دوره‌ای فیلمسازی برای این رقابت با این اسامی وجود نداشته باشد که هر دوره باید با نام آن‌ها مواجه شویم؟

سوره‌های ناب را هم دریابید

سوره‌های اجتماعی و تجربی نقش پررنگ در میان آثار جشنواره امسال داشتند و به‌عنوان رقیبی جدی برای فیلم‌های استراتژیک، سیاسی و سوره‌های جنگ ۱۲ روزه بدل شدند؛ اما نتوانستند از حد مسائل انتزاعی را فراتر بگذارند و با فیلم خود برای مخاطبانشان تبدیل به مسئله‌شوند. برای نمونه سوره مستند کوتاه «صغری رئیس» ممکن است برای چه طیفی از تماشاگران و دوستداران سسینمای مستند اهمیت داشته باشد و چه گروه و دسته‌ای از آن‌ها از پخش چنین فیلمی در جشنواره سینماحقیقت احساس رضایت کنند. واضح است فیلم‌های جشنواره‌ای برای طیف خاصی از علاقه‌مندان به نمایش درمی‌آیند، ولی انتزاعی بودن مضنون، سسوره و حتی نحوه پرداخت نمی‌تواند حتی با آوانگاردترین شرایط نیز ارتباط لازم را برقرار کند و بیننده خاص خود را در جشنواره‌ها بیابد، آن‌هم در جشنواره‌ای به قواره سینماحقیقت که می‌تواند جایگاهی آلت‌رناتیو در برابر رویدادهای غربی داشته باشد و این نگاه را برجسته کند که اگر غرب پذیرای فیلم‌ها و سوره‌های شما نیست، ما آن را تحت‌حمایت خود در آورده و به آن بها می‌دهیم. مسئله مقاومت و زیست انسان شرقی تنها دو نمونه از این اقدامات است که می‌تواند نظر فیلمسازان جریان سوم را نسبت به ایران به‌دوراز مسائلی برانگیخته سازد که رسانه‌های غربی از کشور ما بروز می‌دهند.

فرهیختگان

فرهنگ



چهارشنبه ۲۶ آذر ۱۴۰۴



شماره ۴۵۸۴



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

۵